

میرحسینی، عباس، ۱۳۵۶ -، گردآورنده
مجموعه سوته دلان ۲ / گردآورنده عباس
میرحسینی.

- خمین: عباس میرحسینی، ۱۳۸۳.
ISBN: 964-06-5089-7
۲۴۰ ص. مصور.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. شعر فارسی - مجموعه ها. الف. عنوان
۹۲ م/۴۰۳۲ PIR
۱۳۸۳
کتابخانه ملی ایران
۹۴۵۰ - ۸۳ م

سوته دلان

حکایت دوم

نام کتاب: سوته دلان ۲ ناشر و گردآورنده: سید عباس میرحسینی

انتخاب متن: سید جواد میرحسینی
لیتوگرافی: آرمان
حروفچینی و طراحی جلد: علی قلیچ خانی - ۰۹۱۲ ۱۴۰۰۵۷۶
چاپ: عسل
صحافی: الوند

نوبت چاپ: اول - تابستان ۱۳۸۴
تیراژ: ۵۰۰۰
شابک: ۹۶۴-۰۶-۵۰۸۹-۷
قیمت: ۱۶۰۰ تومان

ارتباط با ناشر: E-mail: Sootehdelan_3@yahoo.com

صندوق پستی: خمین ۳۴۸-۳۸۸۱۵

حق چاپ برای ناشر محفوظ می باشد.

مرکز پخش: انتشارات دانشمند - تهران - ضلع جنوب شرقی میدان انقلاب - روبروی سینما بهمن
تلفن: ۶۶۴۱۵۸۹۸-۶۶۴۱۳۸۶۹-۶۶۴۸۵۹۹۳ - فاکس: ۶۶۴۸۵۹۹۳ - همراه: ۰۹۱۲-۱۸۹۹۳۷۰

عنوان	صفحه	عنوان	صفحه
(مقدمه)	۷	(غم جانانه)	۱۰۳
(در آرزوی تو باشم)	۱۱	(اشکم روان، سوزم به جان)	۱۰۷
(ملکها)	۱۵	(رسوای دل)	۱۱۱
(چو شمع)	۱۹	(ای ایران)	۱۱۵
(آخرین جرعه)	۲۳	(مسجد و میخانه)	۱۱۹
(تار جانان)	۲۷	(شمع باشم)	۱۲۳
(اشک و آسین)	۳۱	(نیاز)	۱۲۷
(زهر شیرین)	۳۵	(آی آدمها)	۱۳۱
(سرگذشت)	۳۹	(سنگ و شبنم)	۱۳۵
(فراموشی)	۴۳	(مرگ لی لا)	۱۳۹
(زمزمه ای در شب)	۴۷	(زنجیر)	۱۴۳
(اشکی در گذرگاه تاریخ)	۵۱	(آبی)	۱۴۷
(شیم عشق)	۵۵	(هدیه دوست)	۱۵۱
(سیلاب اشک)	۵۹	(یار سفر کرده)	۱۵۵
(دل)	۶۳	(زنداد خاک)	۱۵۹
(حدیث جوانی)	۶۷	(ای اوج هستی)	۱۶۳
(فصل آشنایی)	۷۱	(مرغ بوتیمار)	۱۶۷
(فرستی کوتاه)	۷۵	(ریشه در خاک)	۱۷۱
(پیری در جوانی)	۷۹	(زندانی)	۱۷۹
(چرا عاشق نباشم)	۸۳	(دختر زشت)	۱۸۷
(عاشقانه)	۸۷	(چرا از مرگ می ترسید)	۱۹۵
(سختی با مهتاب)	۹۱	(صیاد)	۲۰۳
(حرف دل)	۹۵	(لائورا)	۲۰۹
(آب)	۹۹	(هو)	۲۳۹

«مقدمه»

دوستان و دوستانان دوباره سلام:

دوباره سعادت یاری کرد تا با خواست حضرت دوست و استقبال شما خوبان باز هم سلامی دیگر با شما عزیزان داشته باشیم. از این رو باز صفحاتی را در کنار یکدیگر قرار دادیم که مجموعه‌ای را شامل شود تا خواسته یا ناخواسته با هم همسفر این وادی گردیم، باشد که قبول افتد. روزی، پاک متولد می‌شویم و مسافتی را به نام زندگی طی می‌کنیم و روزی دیگر بدرود خواهیم گفت و جز یک واژه، چیز دیگری از ما نخواهد ماند، «خاطره».

و چه زیبا سروده است مهدی اخوان ثالث:

در گذرگاه زمان

خیمه شب بازی دهر

با همه تلخی و شیرینی خود می‌گذرد

عشقه‌ها می‌میرند

رنگها رنگ دگر می‌گیرند

و فقط خاطره‌هاست

که چه شیرین و چه تلخ

دست ناخورده بجا می‌مانند..

آری همه می‌دانیم که بودن را دیری نمی‌پاید و روزی نه چندان دور راه سفر ابدی را در پیش خواهیم گرفت. زیباست در چنین روزی با توشه‌ای مملو از نور و سینه‌ای مالا مال از عشق، به درگاه حضرت حق سلامی داشته باشیم. به امید روزی که از دهر روان رهاش و از حقیران درگاهش باشیم. انشاءالله